



گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی ساختار و محتوا در اشعار سلمان هراتی

استاد راهنما:

دکتر محمد رضا عمرانپور

استاد مشاور:

دکتر فروغ صهبا

دانشجو:

معصومه قدمی

دانشگاه اراک

شهریور 88

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی ساختار و محتوا در اشعار سلمان هراتی

دانشجو:

معصومه قدمی

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم

برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه اراک

اراک - ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه:

IN THE NAME OF GOD

Ingredient Structure & Container
In The Salman Haratei`s Poems

By

Maasoomeh Ghadamei

Thesis

SUBMITTED TO THE GRADUATE STUDIES IN PARTIAL FULFILLMENT OF THE
REQUIREMENTS FOR THE DEGREE OF MASTER OF SCIENCE (M.SC.)

IN

Language And Literature Persian

ARAK UNIVERSITY

ARAK- IRAN

Evaluated And Approved By Thesis Committee As:

September 2008



Department of Language And Literature Persian

**Ingredient Structure & Container
In The Salman Haratei`s Poems**

Supervisor:

Dr.Mohammad Reza Omranpour

Advisor:

Dr.Forouqh Sahba

By

Maasoomeh Ghadamei

Arak University

September 2008

نگاهی به زندگی و آثار سلمان هراتی:

سلمان هراتی از شاعران نام‌آشنای خطه‌ی سرسبز مازندران در خانواده‌ی کشاورز از پدری به نام عقیل و مادری به نام نقره در فروردین سال ۱۳۳۸ در روستای مرزدشت از توابع تنکابن متولد شد چنانکه خود او در زندگی نامه‌اش بیان می‌کند نام جد مادری وی ملا سلمان را بر وی می‌نهند. تحصیلات ابتدایی خویش را در زادگاهش سپری می‌کند لیکن دوران مدرسه‌اش را در خرم‌آباد تنکابن در کلاس‌های شبانه در رشته‌ی ادبی ادامه می‌دهد. سلمان از شاعرانی است که مانند بسیاری از نام‌آوران به سبب تنگی و سختی معیشت نیمی از اوقات خود را به گذران زندگی اختصاص می‌دهد و روزها در یک مغازه خرازی مشغول به کار می‌شود. پس از ناکامی در امتحانات سال ششم متوسطه در یکی از بیمارستان‌های تهران مشغول به کار می‌شود و در همان سال در امتحانات نهایی ششم دبیرستان قبول می‌شود در حالی که پایان دوران تحصیلات مدرسه‌ی او با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ همزمان می‌شود و در همین سال وی به خدمت سربازی می‌رود لیکن با قبولی در رشته‌ی هنر تربیت معلم به ادامه‌ی تحصیل می‌پردازد در حالی که این دوران مقارن با ازدواج او با دختری از خویشاوندانش به نام حبیبه قنبر هراتی در سال ۱۳۶۱ در سن بیست و سه سالگی اوست و صاحب دو فرزند به نام‌های رابعه و رسول می‌شود. سلمان بعد از اتمام دوران تحصیلات تربیت معلم به یکی از روستاهای دورافتاده‌ی لنگرود به نام واجارگاه می‌رود و در آن جا به تدریس بچه‌های روستا مشغول می‌شود و به صفا و صمیمیت بچه‌های آن جا دل می‌بندد، شور و اشتیاق او برای پر کردن ذهن صافی و پاک کودکان روستا سختی این رفت و آمدها را برای وی آسان می‌کند و شاعر با اشتیاقی وصف‌ناپذیر به تعلیم فرزندان پاک این سرزمین می‌پردازد و معصومیت و نجابت پاک و دست‌نخورده‌ی خود را به آنان هدیه می‌دهد (ر.ک. خادمی کولایی: ۳۴، ۳۵)

سرانجام سلمان در روز جمعه نهم آبان سال ۱۳۶۸ بر اثر سانحه‌ی تصادف اتومبیل به قصد شهرستان لنگرود و شور و اشتیاق او برای همفلس شدن با پاک‌ی و صداقت و صمیمیت پاک یک ذهنیت جنگل‌بکر و بی‌ریا را با خود می‌برد در حالی که در این دوران تنها بیست و هفت بهار را تجربه می‌کند لیکن صاحب مجموعه‌های نفیس و گران‌بهای شامل (از آسمان سبز ۱۳۶۴، دری به خانه‌ی خورشید ۱۳۶۷، از این ستاره تا آن ستاره ۱۳۶۷ و چند رباعی و دو بیتی به صورت پراکنده) می‌شود و اوج توانایی خود را در شعری به نمایش می‌گذارد. گویی عنصر مرموزی در درون شاعر وی را به گفتن و نوشتن

و اداری می‌کند؛ اگرچه به گفته‌ی خود او کار نوشتن را از سال ۱۳۵۸ آغاز می‌کند؛ لیکن همواره رنگ شعر در تمامی عناصر زندگی وی دیده می‌شود. سلمان شعر را "تجلی فراق انسان" می‌داند؛ هر انسانی که از اصلش دور افتاده باشد، و او این انسان رابه خویش خویش واصل می‌کند. اشعاری که شاعر محتوای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... خود را در آن انعکاس می‌دهد و پیوندی میان فرم و محتوا ایجاد می‌نماید تا بدین وسیله، با وجود عمر کوتاه خویش در میان اهل ادب جاودان شود.

(ر.ک. علی پور، ۱۳۷۵: ۱۰).

تقدیم به همسر م

به پاس تمامی همراهی ها و بردباری هایش

خدای یگانه را سپاس گذارم که شعله های فروزان جستجو و کنکاش را در درونم زنده کرد و پیوستگی آن را منوط به توجه و عنایت خویش نمود همچنین از استاد راهنمای گران قدرم که همچون پدری مهربان چراغدان اندیشه را به همراهی استاد مشاورم در دست گرفتند و مرا در راه پر پیچ و خم این جستجو و تحقیق یاری نمودند، قدر دانی و تشکر می نمایم و نیز از کلیه ی اساتیدی که در این شش سال به نحوی از حضورشان کسب فیض نمودم کمال تقدیر و قدر شناسی می نمایم. در انتها از همسر م که در این راه همواره یاری گر و مشوقم بوده و هست قدر دانی و سپاس گذاری می کنم.

چکیده

در این پایان نامه با عنوان " بررسی ساختار و محتوا در شعر سلمان هراتی " ابتدا مقدمه ای کوتاه در مورد شعر و عناصر آن بیان کردیم و سپس به بررسی فرم و ساختار و مقدمه ای کوتاه در این مورد پرداخته ایم و در ادامه دارد مبحث اصلی که بررسی ساختاری که شامل زبان، صور خیال و موسیقی است، می شویم و در هر فصل مقدمه ای راجع به مبحث مورد نظر و اهمیت آن و در ذیل هر کدام از این عناصر هنجارگریزی های ایجاد شده توسط شاعر در آن بیان می گردد و در انتها معنا و اندیشه ی شعر گنجانده و در خلال آن به بررسی روابط ساختار و محتوا می پردازیم. توجه به عناصر ساختاری و معنا اندیشی به لحاظ پشتوانه ی زبانی و فکری ناب شاعر و نیز قدرت پرواز تخیل و بهره گیری وی از عناصر ناب و بکر طبیعت و ریختن آن ها در قالبی مناسب، موجب بهره مندی شاعر از بیانی فخیم و خلق مجموعه های زیبا در کنار اندیشه های متعالی وی شده است. به کارگیری شاعر از عناصر و زبانی و ایجاد صورت های خیال و موسیقی ای متناسب در جهت اندیشه و بیان محتوای شعر و همچنین اهمیت این عناصر در ایجاد اندیشه و معنا سازی از عوامل بررسی این تحقیق است؛ به خصوص شعر سلمان که عنصر خیال و زبان در آن به جهت برخورداری شاعر از محیطی زیبا و دلچسب چشمگیرتر و در القای مفاهیم متعالی شاعر موفق تر و پایدارتر است. در این بررسی سعی شده است پیوند میان عناصر ساختار و محتوا در شعر سلمان را نشان داده و رابطه ی منطقی عناصر شعر را با عنصر اندیشه و مضمون اندیشی بیان کنیم؛ مجموعه ای کامل از هماهنگی و هم آمیختگی میان ساختار و محتوا و تبدیل شکل بی روح کلمات در قالب عنصر پایدار و متجلی اندیشه.

واژگان کلیدی:

۱. شعر ۲. زبان ۳. تخیل ۴. موسیقی ۵. معنا اندیشی و محتوا ۶. هنجارگریزی ۷. سلمان هراتی

پیشگفتار

عرصه‌ی شعر و ادب همواره مرهون شاعرانی است که بی دریغ عمر خویش را در راه پرورش آن صرف و آثار بی بدیل و درخشانی در این زمینه خلق کردند؛ شاعرانی که شاید حتی نامی از آن‌ها در تاریخ ادب فارسی نیامده است. در این زمینه نقش شاعران انقلاب متجلی و چشمگیرتر است؛ چه بسا نیروی ذهنی و توان افکار جامعه در گرو کوشش‌های بی دریغ آنان پیوند میان مبارزه و پیروزی را رقم زده است.

شاعری چون هراتی که نیمی از اشعار او در گرو اعتقاداتش تبلور یافته است، اگرچه قلم فرسایی در مورد سلمان و شعر او، به سبب عمر کوتاه وی و عدم دسترسی به منابع به جهت کمبود آشنایی به آثار وی بسیار دشوار است لیکن علاقه به شاعر بومی از خطه‌ی سرسبز مازندران و بررسی آثار شاعری که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد، این انگیزه و رغبت را ایجاد کرد که به بررسی آثار و کنکاش در این زمینه پردازم؛ بررسی میان فرم و ساختار و پیوستگی منطقی آن میان محتوا و مضمون فکری شاعر که از دید او بسیار آگاهانه انجام شده است. براین اساس چهارچوبی کلی از ساخت در فصل کلیات و بررسی هریک از عناصر آن که شامل زبان، صور خیال و موسیقی است؛ به صورت جداگانه در هریک از فصل‌های مشخص شده، در مجموعه‌ی کامل شعر وی، انجام گرفته است. این عناصر به گونه‌ای تحلیلی در شعر سلمان، در زیرمجموعه‌های مربوط به هر کدام که در فهرست مشخص شده، بررسی شده است و در زمینه‌ی محتوا به عنصر مضمون اندیشی در ارتباط با هریک از این عناصر و عنصر عاطفه در شعر پرداخته ایم و در تحلیل نهایی به خصوصیات کلی هریک از این عناصر در ارتباط با محتوای شعر سلمان در بخش خاتمه اشاره شد. گرچه جولان برای این میدان به سبب کمی اطلاعات در مورد شاعر و بررسی آثار وی بسیار دشوار بود لیکن کوشش برای کنکاش همه‌جانبه و کلی در مورد آن گرفته شد تا شاید گوشه‌ای از زحمات این شاعر گران قدر خطه‌ی سرسبز شمال نشان داده شود هرچند معترف به نقص‌هایی در این تحقیق هستم لیکن

راهنمایی های استاد همواره چراغ راهم بوده و هست و در پناه و ضمان ایشان جرأت نوشتن یافتم باشد که پذیرا

باشد.

شعر چیست ؟

شاید بتوان درباره ی شعر و شاعری از ابتدای تاریخ بشریت و تشکیل گونه های مختلف زبانی سخن به میان آورد چنانچه برخی سوگ سروده هایی از آدم را در شهادت فرزندش هابیل نخستین شعر می دانند اما با این حال به هیچ روی نمی توان نظر قطعی و دقیقی در مورد اولین گونه های شعری به میان آورد. گویی از همان آغاز که نغمه های زیبای طبیعت روح و جان انسانی را می نواخت و یا تأثیر حادثه ای بدیع ذهن انسانی را درگیر خویش نموده بود شعر آغاز شد چنانچه افلاطون نیز شعر را مخلوق حالت شیدایی می داند؛ با این وجود هیچکس به تعریف جامع و دقیقی از شعر دست نیافته است لیکن با این وجود می توان قدیمی ترین تعریف از شعر را در کتاب المعجم شمس قیس رازی در یافت: "بدان که شعر در اصطلاح لغت دانش است و ادراک معانی به حدس صایب و اندیشه و استدلال راست و از روی اصطلاح سخنی اندیشیده، مرتب، معنوی، موزون، متکرر، متساوی و حروف آن به یکدگر مانده" (زیادی: ۱۷۵)

در واقع شعر قطعه ای از کلام و سخن است که خود را آراسته و پیراسته، منظم و موزون به میدان ذهنیات شاعر می کشاند و جوهر هستی و واقعیات آن را بدون چون و چرا و با بیانی هنرمندانه مطرح می کند، چنانچه تبلور این واقعیت نه تنها در عنصر شعر بلکه در هنرهای دیگری چون معماری، موسیقی، نقاشی و ... نیز دیده می شود و در عین بیان نابه هنجاری ها جز زیبایی چیزی را نشان نمی دهد زیرا هنر چیزی جز "کوشش انسان برای بیان زیبایی" نیست. (خانلری: ۳۳).

شعر در واقع همزاد روح انسانی است که در قالب کلمات و جملات متجلی می شود و خیال و الهام شاعرانه را به نمایش می گذارد چنانچه آینه ی تمام نمای خلیات انسانی و بشری است و درک آن

نیز در گرو شناخت خود حاصل می شود به گونه ای که گفته ی عین القضاة که در تعریف شعر همچنان استوار و پابرجاست، در تصدیق این موضوع دیده می شود آن جا که می گوید: "جوانمردا این شعر ها را چون آئینه دان آخر دانی آئینه را صورتی نیست در خود؛ اما هر که در او نگه کند صورت خود تواند دید ان که نقد روزگار او بود و کمال کار اوست و اگر گویی شعر را معنی دیگر وضع می کنند از خود، این همچنان است که کسی گوید صورت آئینه ، صورت روی صیقل است که اول آن صورت نمود.(زیادی:۱۷۴)

عناصر شعر

پیکره ی شعر بوجود عناصر و ابزاری استوار است که ماهیت شعر به وجود آن ها بستگی دارد و توسط آن ها شکل می گیرد. شاعر هدفمند نیز شاعری است که بتواند آگاهانه این عناصر را در کنار یکدیگر قرار دهد و مجموعه ی منظم و هماهنگی از این عناصر را در شکل گیری شعر خویش ایجاد نماید. از مهم ترین این ابزار و عناصر، زبان است. اهمیت این عنصر به حدی است که وجه تمایز میان شاعران و همچنین راز موفقیت شاعران بزرگ گذشته و معاصر نیز به آشنایی درست از این عنصر در شعر و به کار گیری دقیق و درست از آن بستگی دارد؛ گستردگی و حوزه ی وسیع این عنصر موجب شده است که همواره منتقدین شعر آن را از زاویه های مختلف بررسی کنند و به جنبه های گوناگون آن در شعر بپردازند عواملی چون ترکیبات، واژه ها، نحو و جملات که خود زیرمجموعه های بی شماری را شامل می شوند که ما در بررسی شعر هراتی به آن پرداخته ایم. از عوامل دیگر شعر که در برقراری ارتباط میان شاعر و مخاطب نقشی اساسی دارد عنصر خیال در شعر است. هنرمند اشعار و صور مختلف را در قالب صورت های مختلف از جمله تشبیه، استعاره، حس آمیزی و... زنده می کند و توسط این اشکال، خیال خویش را به خواننده القا می کند به گونه ای که واقعیات توسط این

صورت‌ها رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد چنانچه خیال در این حوزه مؤلف است نه آفریننده و هرگز چیز تازه‌ای ایجاد نمی‌کند بلکه محسوسات را برهم می‌زند و به این طریق صورتی تازه ایجاد می‌کند و این شاعر آرمانی است که " به هنگام پدید آوردن شعر تخیل خویش را به کار می‌گیرد و سرودی از عالی‌ترین نوع ایجاد می‌کند (دیچز: ۱۸۱)

حوزه‌ی شعر و شاعری نه تنها از عنصر زبان و خیال بهره می‌برد بلکه از عنصر بالاتر و ارزشمندتری به نام موسیقی نیز برای بیان اهداف خویش استفاده می‌کند. سابقه‌ی ارزش موسیقی در نزد هنرمندان و عامه‌ی مردم تا حدی است که گذشتگان ارزش روح را با موسیقی می‌سنجیدند چرا که به عقیده‌ی آنان اگر کسی آهنگی دلربا بشنود و در نتیجه‌ی آن شاد یا غمگین نگردد و یا از مضمون شعر متأثر نشود در زمره‌ی آدمیان به شمار نمی‌آید (ر.ک. طهماسبی: ۶۲)

حال چه بهره‌گیری شاعر از این حوزه در محدوده‌ی وزن‌های عروضی، موسیقی کناری و یا موسیقی معنوی باشد، در هر حال این شاعر است که آگاهانه دست به انتخاب می‌زند و در این حوزه وارد می‌شود، که ما در این زمینه نیز به کاوش در شعر سلمان پرداخته‌ایم.

حوزه‌ی عاطفه و مضمون اندیشی همواره از حوزه‌هایی است که در کنار شعر مطرح می‌شود چنانکه طرفداران شعر وجود آن را توسط این دو عنصر معنی می‌کنند و هدف والای شعر را در وجود عاطفه‌ای که ناشی از وجود شاعر در شعر مطرح می‌شود و گنجاندن اندیشه‌ای که شعر توسط آن ایجاد شده است، می‌دانند.

اگرچه بررسی همه‌ی عناصر و ابزار شعر به خودی خود کاری است دشوار لیکن با این وجود سعی شده است به مهم‌ترین آن‌ها در شعر هراتی پردازیم و آن را مورد ارزیابی قرار دهیم چنانکه در هر

شعر وجود عاطفه و اندیشه در گرو زبانی خیالی به همراه موسیقی ای متناسب و هماهنگ با آن شکل می گیرد.

فرم و ساخت

مقدمه ای بر فرم و ساخت :

ماهیت و کارکرد ادبیات به عنوان یک اثر ادبی یا یک تحقیق ادبی موجب بررسی شیوه ها و اشکال گوناگون آن در حیطه های مختلف آن است. چنانچه برخی از منتقدین، ادبیات را به عنوان یک تحقیق و پژوهش ادبی مورد بررسی قرار می دهند و عده ای نیز اصرار دارند آن را به عنوان یک اثر ادبی مورد ارزیابی قرار دهند، به هر جهت در بررسی تحولات و کارکرد ادبیات می توان گفت تغییرات زیادی از زمان های گذشته تاکنون در آن رخ داده است. از قدیمی ترین دوران که شعر وسیله ای برای تهذیب اخلاق مورد استفاده قرار می گرفته تا زمان «پو»(phoo) که آن را «بدعت ادبیات پند آموز» می نامید و تا این زمان که به ادبیات و عناصر آن خصوصاً مفهوم شعر به خودی خود جدا از هر گونه تأثیرات ذهنی و معنایی که ایجاد می نماید، مورد توجه قرار می دهند، تغییراتی شگرف و اساسی ایجاد نموده است. البته این تعبیر که ادبیات به عنوان رابطه ای که با فکر و ذهن صاحب اثر خویش برقرار می کند و آن را فلسفه یا افکاری می دانند که پشت پرده «شکل» پنهان شده است همواره مورد توجه عده ای از منتقدین بوده است. لیکن همواره بحث و جدایی میان افرادی که مدافع حقوق معنا و اندیشه گرایی در ادبیات خصوصاً «شعر» بوده اند و منتقدینی که به نوعی توجه به ساختار و شکل شعر را حائز اهمیت می دیده اند وجود دارد. چنانکه «جورج بوئز» در یک سخنرانی با عنوان «فلسفه و شعر» می گوید «افکاری که در شعر بیان می شود معمولاً پیش پا افتاده و اغلب ساختگی است و هیچ آدمی

که بیش از ۱۶ سال داشته باشد. زحمت آن را به خود نمی دهد که شعر را برای آنچه بیان می کند. بخوانند» (ولک : ۱۲۰).

لیکن با این وجود نمی توان به طور کل تاثیر محتوا و شکل ذهنی اثر و فکرشاعر را در ایجاد یک اثر ادبی چون شعر بی اثر دانست. شاید بتوان غیر از شکل اصلی شعر بخش عمده ای از کار شاعر را نیز در حیطه ی محتوا و ذهن آن مورد بررسی قرار داد. در این میان وظیفه ی نقد ادبی به عنوان جایگاهی در عرصه ی ادبیات مطرح می شود که به بررسی زمینه های مختلف متن، اثر و شکل آن می پردازد. اگر چه عده ای از منتقدین در این زمینه واکنش پیش از نقد خواننده را معیار اصلی تشخیص ارزش ادبی قرار می دهد و خواننده ی اثر را تا جایگاه منتقد بالا می برد و شیوه ای را برای ارزیابی اثر و ذهن خلاق وی را در آن مؤثر می داند البته خوانندگانی که آلوده تعصب نباشند و ذهنشان با جزئیات مختلف یادگیری ضایع نشده باشد. (ر. ک. گورین، ۱۳۷۰ : ۲۱).

اما اساس کار در طرح اصلی شعر در ارتباط با شکل و ساختار آن مشخص می شود و در این میان کوشش های منتقدین صورت گرا از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود. این مکتب و نظریه به طور کامل در مقابل دیدگاه محتواگرایانه قرار می گیرد.

منتقدین فرم گرا افرادی بودند که به محتوای اثر ادبی کاملاً بی توجه بودند. در واقع فرمالیسم واژه ای است که برای گروهی از تحلیلگران و نقادان روسی در اوایل انقلاب کمونیستی شوروی سابق، هنگامی که توجه خویش را به شاخصه های سبک شناسی وساخت و صورت اثر معطوف کردند، به کار رفت. (ر. ک. نوری : ۷۵۹).

در این نوع نقد که رهبران ویکتور شکلوفسکی است توجه منتقد ادبی کاملاً به زمینه اثر و شکل آن معطوف می شود و تمامی رویکردهای جامعه شناختی، فلسفی، روان شناختی و جامعه شناسی که

هنرمند یا صاحب اثر در آن قرار می‌گیرد بی ارزش می‌شود و این متن است که روبه روی خواننده خود را می‌گشاید. ذهن وی را بارور می‌سازد. تمامی پرسش‌هایی که ذهن مخاطب را به خویش مشغول می‌سازد باید از حیطه ی متن و از خود آن بیرون بیاید.

چنانکه در تبیین و تعریف از نقد شکل مدارانه گفته شده است که هدف از آن تبیین «شکل» در اثر ادبی است که در این صورت اثر «قائم به ذات» فرض می‌شود و اصل مسئله برای منتقد شکل مدارانه فقط و فقط شکل و تأثیر آن است. (گورین ۱۳۷۶: ۸۳).

شکل شامل تمامی عناصر و اجزا و انگاره‌هایی است که بیرون از متن ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد. و شکل‌های بیرون اثر (که بحث شعر در اینجا مد نظر ماست) روبه روی منتقد قرار می‌گیرد و ذهن او را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و متقابلاً ذهن در مورد چگونگی اثر تنها به آن رجوع می‌کند.

اهمیت اثر ادبی با تمامی ویژگی‌ها، خصوصیات و اجزاء آن از طریق نظریه ی شکل مدارانه ایجاد می‌شود و ارزش صورت ادبی با تمامی واژگان، عبارات و صنایع مختلف بدیعی و ...، نحوه قرارگیری اجزا جمله به عنوان پدیده ای زنده و مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد. و از این طریق شاعر به حیطه آشنایی زدایی‌ها که در زمینه شکل مطرح است، دست می‌یابد و پدیده ای جدید در عرصه هنر و ادبیات خلق می‌کند. می‌توان گفت فرایند تحلیل شکل مدارانه در روند برجسته ی خویش به آشنایی زدایی‌هایی در این زمینه منجر می‌شود.

بدیعی است شاعری عنوان شاعر آشنا را به خود می‌گیرد که بتواند تمامی عناصر و اجزا شکل و فرم یک اثر را در حیطه مختلف آن شامل واژگان و صنایعی چون مجاز، استعاره، کنایه و دیگر صورت‌های خیال را مورد ارزیابی قرار داده و به شیوه ای نو و جدید در این حیطه دست یابد و طرحی

تازه و چشم اندازی نو در آن ایجاد کند. چنانچه روش کار سمبولیت ها نیزبراین پایه استوار بوده که تمامی قوائد دستور زبان را تغییر دهند(ر . ک . حسینی :۵۴۴)

اصول ادبی منتقدان شکل گرا را می توان در چند نمونه خلاصه کرد :

الف : آنان به تغییرشکل زبان عادی عقیده دارند و از این طریق است که آشنایی زدایی را ایجاد می کنند و در نتیجه عمل دیگری نیز در اصول آنان شکل می گیرد.

ب : صناعات شعری که موجب ایجاد ناآشنا کردن قراردادهای خودکار می شود.

ج : تنش ها، تناقضات و ابهاماتی که ایجاد می شود و شاعر از طریق آنها تجربه به دست می آورد.

(ر . ک . سلدن : ۲۲) .

به طور کلی اگر بخواهیم در مورد ساختگرایی سخن بگوییم کاری بسیار دشوار است. وجود حوزه های گوناگون و وسیعی که در زمینه های مختلف ساختار رو ساخت گرای مطرح می شود این تحلیل را دشوارتر می نماید و آنچنان صورتهای متنوع و مختلفی به خود گرفته است که دشوار است بتوان وجه مشترکی میان آن پیدا نمود، به گفته دیگر هر چه می گذرد «ساختارگرایان» صورت های گوناگون ساختار را به معانی گوناگون تری به کار می گیرند (ر . ک . کان دیوس : ۲۷) .

بنابراین در پی تحولات شگرفی که در اوایل قرن بیستم در پی عرصه های گوناگون زندگی رخ داده است شیوه ی انتقادی آن به متون ادبی نیز دستخوش تغییر شده است و در ساحت های گوناگون مورد توجه است که بررسی آن تجربه ای به وسعت تجربه ی تاریخی می طلبد که ما در پایان به تعریف کلی و جامع در تعریف ساختار بسنده می کنیم و آن را پیش فرضی در جهت بررسی ساختاری شعر سلمان قرار می دهیم: «ساختار بیان یک کلیت است، یعنی کلیتی که اجزای آن دارای هماهنگی و همبستگی

انلا» (احمدی، ۱۳۷۴ : ۳۱۵) .

مقدمه ای بر زبان :

یکی از مهمترین و اصلی ترین عناصر تشکیل دهنده ی علم و هنر، زبان آن است چنانکه در هر حیطه ی علمی و هنری جایگاه زبان از جمله جایگاه های بنیادی آن محسوب می شود مانند اینکه بگوئیم زبان ریاضی، زبان فلسفه، زبان هنر، زبان ادبی و

زبان یکی از عوامل و ابزار برقراری ارتباط است به طوری که شلی (shelley) زبان ابتدایی را جولانگاه تخیل آفریننده می شمرد « (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۲۴۲) .

در هر فرآیند پیامی را از سوی گوینده به مخاطب منتقل می کنیم. حال این پیام می تواند به توسط واژگان و عباراتی که در یک حوزه از « محور هم نشینی» قرار گرفته اند، به خواننده به خواننده و مخاطب منتقل شود. (ر.ک . صفوی : ۳۸) .

شیوه و ابزار این انتقال پیام است که حوزه متعالی و متزلزلی را برای ادبیات آن کشور رقم می زند. اهمیت و جایگاه نقش زبان به گونه ای است که صاحب نظران و منتقدان زمینه های مختلف علمی نیز به آن اذعان دارند و در این حوزه طیفی که بیشترین تاثیر را به زبان می دهد و به گونه ای نیز از آن می پذیرد صاحب نظران ادبی خصوصا شاعران محسوب می شوند. زیرا به جرأت می توان گفت که مهم ترین ابزار بیان و کار شاعر زبان است و شیوه استفاده از این ابزار برای شاعر به نسبت گروههای دیگر حساس تر خواهد بود چرا که " شاعر زبان را به صورت متفاوت از کسانی که فقط برای ابلاغ اطلاعات و معلومات واقعی از آن استفاده می کنند، به کار می برد". (دیچز ۱۳۶۶: ۵۹)

عصاره ی تمامی افکار و مسائل ذهنی که فکر و اندیشه شاعر را به خویشتن مشغول می سازد و تمامی عناصر زیبایی شناسی که شامل موسیقی، صور خیال و محتوا نیز می باشد به وسیله زبان و کارکردهای آن تجلی می یابد.

از این رو است که فروید (freud) روانشناس مشهور نیز در مورد رویا عقیده اش را اینگونه مطرح می‌کند: رویا "تنها روایتی پررمزگان (کدگذاری شده) است... ولی می‌توان انگاره‌های را که در رویا به ذهن می‌آیند همچون اجزاء زبان در نظر گرفت" (احمدی، ۱۳۷۰: ۵۱۲)

اگر چه ابزار زبان برای تمامی شاعران و نویسندگان به صورت یکسان موجود است اما می‌توان گفت شیوه‌ها و ابزار استفاده و بهره‌گیری از آن موقوف به ذوق و خلاقیت نویسنده و ذهن به کار گیرنده آن است به گونه‌ای که می‌توان گفت تمامی شاهکارهای بزرگ ادبی مابا به کارگیری از زبانی پخته، فخیم و استوار ماندگار شده‌اند.

عقیده‌ی ثابت و مشخص بر این قاعده حکمفرماست که بدون زبان، ادبیات نیز به طور ناخودآگاه از میان می‌رود. بدین گونه "ادبیات اساساً استوار به زبان است و نقد ساختاری هم کاربرد روش‌های زبان شناسیک را گریز ناپذیر می‌داند" (همان: ۳۱۱)

زبان در شعر و اثر ادبی :

زبان و جایگاه آن در شعر جزو اساسی‌ترین مباحث بحث ساختاری شعر است و از آن جا که در نقد زبانی و حیطه فرم و ساختار ادبی یک اثر، بررسی هنجارگریزی و قاعده‌افزایی‌هایی که در این حوزه شکل می‌گیرد و فرآیندهایی که در حیطه زبانی اتفاق می‌افتد می‌تواند زبان اثر را برجسته یا غریب و بعید جلوه دهد و از دلایل اهمیت آن محسوب شود، در نتیجه می‌توان زبان را ابزاری در جهت کشف سبک نویسنده‌ی اثر از دیدگاه زبان‌شناسی دانست.

«اسپیتزر» (Spitzer) از جمله کسانی است که "سبک و روش بیان خاص هر نویسنده" توجه می‌نماید و تاکید می‌کند که "از این راه زبان ویژه‌ی آن نویسنده را نخواهیم شناخت بلکه ویژگی زبان را کشف خواهیم کرد". (همان: ۱۳۴).